

گفت‌وگو با سجاد نصراللهی نسب، تهیه‌کننده فیلم

### «قمارباز» یک درام معمایی است نه امنیتی

**کنهدل** | فیلم «قمارباز» داستانی درباره حمله سایبری به یکی از بانک‌های کشور را روایت می‌کند؛ اتفاقی که یک مأمور خبره اطلاعاتی را به یکی از برنامه‌نویسان بانک مظنون می‌کند. این فیلم که به تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی‌نسب ساخته شده، نخستین تجربه کارگردانی فیلم بلند محسن بهاری است. تهیه‌کننده فیلم «قمارباز» درباره روند تولید این فیلم به خبرنگار ما می‌گوید:

حدود دو سال پیش محسن بهاری، کارگردان اثر، طرح فیلم‌نامه را با من مطرح کرد که موضوع جذابی داشت. موضوع فیلم در فارابی پذیرفته شد و در پیچینگ این بنیاد سینمایی هم بالاترین نمره را کسب کرد.

نصراللهی نسب با بیان اینکه موضوع فیلم درباره یکی از حملات سایبری و چالش‌های آن با تم رازآلود و معمایی است که در جاهایی وارد فضاهای روان‌شناختی می‌شود،

خاطر نشان می‌کند: بستر روایت هم مربوط به وقایع روز جامعه است و فیلم با تعداد محدودی بازیگر و در فضایی محدود سعی کرده با روایتی جذاب، مخاطب را با قصه همراه کند.

به گفته او فضای فیلم، امنیتی نیست اگرچه به موضوع نفوذ می‌پردازد و مخاطبان با یک درام اجتماعی معمایی مواجه‌اند که داستان آن درباره نفوذ به سیستم بانکی کشور است. روایت هم در بستر جنگ ۲۴ساعته اتفاق می‌افتد و قصه فیلم براساس یک ماجرای واقعی روز نوشته شده است.

تهیه‌کننده فیلم قمارباز با اشاره به ظرفیت‌های فیلم‌نامه این اثر عنوان می‌کند: وقتی فیلم‌نامه را خواندم با اثری پرظرفیت روبه‌رو شدم که می‌توانست جنبه‌های معمایی پررنگ‌تری داشته باشد، اما در روند اجرا با مشکلاتی روبه‌رو شدیم و زمان زیادی برای پیش تولید و تولید نداشتیم. فیلم باید در سید جشنواره فارابی قرار می‌گرفت و در زمان مشخصی تمام می‌شد، در حالی که اگر زمان بیشتری داشتیم، می‌توانستیم پرداخت عمیق‌تری داشته باشیم.

او می‌گوید: قمارباز ظرفیت‌های زیادی در یک درام اجتماعی معمایی دارد و اگر زمان و امکانات بیشتری داشتیم اثری نزدیک به ایده‌آل خودمان می‌ساختیم ولی همه سعیمان را کردیم تا اثری تماشایی بسازیم و روایت، غافلگیری‌های خوبی دارد.



نصراللهی نسب که در پنج سال اخیر با فیلم‌اولی‌ها کار کرده، درباره تجربه همکاری با کارگردان‌های تازه‌نفس می‌گوید: کار کردن با فیلم‌اولی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های خودش را دارد. معمولاً فیلم‌سازان کاراوالی، جوان هستند و ارتباط بهتری می‌توان با آن‌ها گرفت و به دلیل نزدیکی سن، فهم خوبی در مسائل داریم. از طرفی چالش‌های جدی خودش را هم دارد چون یک فیلم‌اولی پس از مدت‌ها حضور در فضاهای مختلف سینما، در جایگاه کارگردان قرار می‌گیرد و این فرصت مهمی در زندگی حرفه‌ای او است و باید در نخستین قدم فیلم‌سازی‌اش، کست خوبی برایش چید و کمکش کرد.

او شرایط تولید را برای فیلم‌سازان کاراوالی بسیار پرچالش و اضطراب‌آور توصیف کرده و می‌افزاید: محدودیت‌های زمانی، امکاناتی و کسبیتنگ، فشارهای روحی و روانی روی کارگردان‌های فیلم‌اولی را بیشتر می‌کند.

نصراللهی نسب با بیان اینکه راهیابی اثر یک فیلم‌اولی به جشنواره فیلم فجر یعنی نخستین قدم موفقیت، عنوان می‌کند: کار کردن با فیلم‌اولی‌ها، حس خوبی دارد؛ کسی که سال‌ها در بخش‌های مختلف سینما زحمت کشیده و خاک صحنه خورده، حالا قرار است در مقام کارگردان، فیلم خودش را بسازد. نصراللهی نسب معتقد است «قمارباز» اثری لوپاجت است اما کم‌هزینه بودن آن سبب آسیب به کیفیت کار نشده و یادآور می‌شود: بهتر است کارگردان اولی‌ها از یک اثر لوپاجت و مینی‌مال شروع کنند و حتی اگر یک طرح بیگ‌پرداکشن دارند، شروع کارشان از یک فیلم لوپاجت باشد چون هم بخت تولید اثر را بالا می‌برد و هم کسب تجربه می‌کنند.

وی با بیان اینکه با توجه به پایین بودن هزینه‌های تولید، این فیلم جزو ارزان‌تر تین فیلم‌هاست، خاطر نشان می‌کند: با این حال از عوامل حرفه‌ای استفاده کردیم تا کیفیت کار حفظ شود. او درباره انتخاب بازیگران فیلم توضیح می‌دهد: گزینۀ‌های اولیه ما برای دو نقش اصلی فیلم، مجتبی پیرزاده و امیر نوروزی بودند که تداخل کاری آن‌ها سبب تغییراتی در گروه بازیگران شد. آقای نوروزی فقط توانست بازی در یکی از نقش‌های فرعی داستان را به عهده بگیرد، بنابراین ترکیب بازیگران اصلی فیلم، کوروش تهامی، آرمین رحیمیان و شبنم قربانی شدند.

این تهیه‌کننده درباره اینکه بخت قمارباز برای گرفتن سیمرخ در چه بخش‌هایی محتمل‌تر است، پاسخ می‌دهد: دآوری فیلم را باید به عهده مخاطب داشت. من از کسبیتنگ و نتیجه کار بسیار راضی هستم. کارگردانی و تدوین فیلم بسیار خوب بود و بچه‌های صحنه تلاش زیادی کردند. بازیگران هم بازی‌های قابل قبولی داشتند. شکر خدا گروه بسیار خوبی برای تولید این فیلم کنار هم جمع شدند. اگر چه به دلیل محدودیت‌های زمانی و امکاناتی به ایده‌آلی که مد نظرمان بود نرسیدیم اما نتیجه کار، تماشایی و رضایت‌بخش است چون گروه تلاش و هماهنگی خوبی با هم داشتند.

#### زهره کنهدل | ساخت فیلم درباره قهرمانان ملی در

سال‌های اخیر رونق بیشتری گرفته و در دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر از آثار قابل توجه و تماشایی درباره زندگی سرداران شهید رونمایی شده است.

فیلم سینمایی «کوچ» که در این دوره از جشنواره فیلم فجر اکران می‌شود، برشی از زندگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است و مقطع کودکی و نوجوانی این قهرمان ملی را به نمایش می‌گذارد. این فیلم به کارگردانی محمد اسفندیاری و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر، با سرمایه‌گذاری بنیاد مکتب حاج‌قاسم سلیمانی ساخته شده است. «کوچ» نخستین اثر سینمایی محمد اسفندیاری است، فیلمسازی که پیش از این، کارگردانی فیلم‌های کوتاهی چون «قضاوت»، «زندیک» و «سیزده سالگی» را در کارنامه دارد. کوچ با تمرکز بر روابط میان نسل‌ها مسیر رشد و تکامل انسان را در قالب روایتی آرام و انسانی به تصویر می‌کشد و در اطراف امام‌زاده موسی(ع) روستای هیو و کرمان فیلم‌بردای شده است. تاکنون کتاب‌ها و فیلم‌های مستند متعددی درباره سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی تولید شده و کوچ نخستین فیلم سینمایی داستانی درباره این شهید ملی است. با مهدی مطهر، تهیه‌کننده این فیلم درباره جزئیات ساخت کوچ گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

#### ■ درباره ایده اولیه ساخت فیلم «کوچ» بگویید.

من سال‌ها مستندسازی کردم و تهیه‌کننده مستندهای «فرمانده»، «خانه ما» و فیلم‌های داستانی «آگوست» و «منصور» بودم و برای ساخت اثر سینمایی تصمیم گرفتم به سراغ ساخت یک اثر اقتباسی بروم؛ چرا که معتقدم اقتباس، گمشده مهم سینمای ایران است. نگارش فیلم‌نامه اثر با قاسم سلیمانی و فوادزاده از کتاب «باران گرفته است» نوشته احمد یوسف‌زاده انجام شد. فیلم هم در ژانر بیوگرافی است و مقطع سنی ۱۰ تا ۱۵ سالگی قهرمان را نشان می‌دهد. پیش از این، اثر سینمایی درباره این قهرمان ملی ساخته نشده بود و اتفاقات دست به دست هم داد تا این توفیق نصیب ما بشود. ما هم برای اینکه بتوانیم کار را به سرانجام برسانیم زمان‌بندی محدودی داشتیم به طوری که کل فرایند ساخت فیلم از نگارش فیلم‌نامه گرفته تا پیش‌تولید و تولید، کمتر از چهار ماه زمان برد و کار بسیار سخت و پرفشاری بود.

#### ■ در مسیر تولید فیلم با چه چالش‌هایی روبه‌رو شدید؟

برای اینکه فیلم را در موعد مقرر به جشنواره برسانیم محدودیت مالی و زمانی داشتیم ولی توفیقی نصیب ما شد و کست همراه و همدلی کنار هم شکل گرفت که در پروژه‌ای طاقت‌فرسا به لحاظ زمان‌بندی و سختی کار، توانستند فیلم را به سرانجام برسانند. ضمن اینکه ساخت فیلمی که وفادار به کتاب باشد، محدودیت‌هایی دارد. عمده بازیگران این فیلم با توجه به مقطع زمانی که به آن می‌پردازیم، عمدتاً نابالز یگر هستند اگرچه چندین بازیگران چهره هم در فیلم نقش آفرینی می‌کنند ولی بازیگران اصلی فیلم، معرفی شده این پروژه هستند. دو بازیگر کودک و نوجوان، دو مقطع سنی زندگی این قهرمان را بازی می‌کنند و دوستان کودکی و نوجوانی قهرمان فیلم هم از دیگر نا بازیگران پروژه

#### گفت‌وگو با مهدی مطهر، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «کوچ»

# قابی از کودکی و نوجوانی یک قهرمان ملی



**فیلم سینمایی «کوچ» که در این دوره از جشنواره فیلم فجر اکران می‌شود، برشی از زندگی سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی است و مقطع کودکی و نوجوانی این قهرمان ملی را به نمایش می‌گذارد**

شود؛ جایی که نمادهای روستایی فیلم را بتوانیم در آن عیناً بازسازی کنیم.

#### ■ با توجه به اینکه قهرمان قصه، معاصر و شناخته شده است، این موضوع چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را پیش روی گروه سازنده قرار داده بود؟

ما زمین محدودی از قهرمانان را باید تبدیل به درام می‌کردیم چون بنا داشتیم براساس کتاب، فیلم بسازیم و زمان روایت کتاب هم مربوط به سال‌های پیش از انقلاب بود، بنابراین زمین درام ما محدود شده بود. از سوی دیگر، قهرمان ما آن قدر محبوب است که آدم‌های زیادی روی او حساسیت دارند و برایشان مهم است که این قهرمان قرار است در یک فیلم داستانی چطور تصویر شود. ما همه توقعات را پایین آوردیم و پروژه توسط یک کارگردان فیلم‌اولی و با هزینه بسیار معمولی ساخته شده یعنی پروژه هیچ هزینه پنهانی نداشت. معمولاً در چنین پروژه‌هایی به خصوص پروژه‌های مرتبط با نهاد‌های دولتی، برای حوزه تدارکات از حمل و نقل گرفته تا اسکان که ارقام قابل توجهی را شامل می‌شود،

هستند که انتخاب و مدیریت بازی‌ها ایشان به ویژه در ادای لهجه و گویش و تعداد زیاد هنرورها نیازمند پیش‌تولید طولانی و سخت بود. البته پیش‌تر یک فیلم کوتاه در این باره ساخته شده بود که معرفی همین فیلمی بود که می‌خواستیم بسازیم.

#### ■ درباره لوکیشن کار هم توضیح دهید. با توجه به اینکه فیلم به دوران کودکی و نوجوانی قهرمان می‌پردازد، لوکیشن باید روستایی باشد؟

همین طور است. لوکیشن کار، جایی خارج از تهران بود و با اینکه در روستای هیو(حوالی استان تهران) بودیم ولی همان جا شرایط اسکان عوامل فراهم شد چون طولانی بودن مسیر رفت و برگشت، فرسایشی بود برای همین بیشتر از یک ماه، در همان روستا مستقر شدیم. ماه پایانی فیلم‌برداری هم باید به کرمان می‌رفتیم. پروژه در ۶۴ جلسه در خارج از تهران فیلم‌برداری شد. ما در روستای هیو، لوکیشن فیلممان را بازسازی کردیم و همکاری دقیق و طاقت‌فرسایی بین گروه تولید، تدارکات و طراحی صحنه اتفاق افتاد تا این دهکده تأسیس

هزینه‌های پنهان و دولتی وجود دارد ولی هزینه‌های ما برای ساخت این فیلم در همه حوزه‌ها کاملاً آشکار بود. به هر حال تولید اثر درباره قهرمانی که روی آن تعصب و حساسیت وجود دارد کار ما را بسیار سخت کرده بود و امیدوارم زحماتی که دوستان کشیدند، برای تماشاگر هم مشهود باشد.

#### ■ مخاطب هدف فیلم چه قشر و کسانی هستند؟

چون مقطع زمانی درام مربوط به کودکی و نوجوانی قهرمان است، به دنبال تولید یک فیلم نوجوانانه بودیم و سعی کردیم به این موضوع وفادار باشیم البته این طور نیست که مخاطب سینمادوست با فیلم ارتباط برقرار نکند ولی فیلم، ویژگی‌های یک اثر نوجوانانه را دارد و طیف وسیعی از نوجوانان می‌توانند مخاطب آن باشند چون از جنس فیلم‌هایی است که در این سال‌ها کمتر ساخته شده است. در فضای رواج آثار کمدی و فیلم‌های شهری، این فیلم چند تفاوت اصلی دارد؛ نخست اینکه فضایی کاملاً نوجوانانه دارد.

دوم اینکه از فضای فیلم‌های شهری، فاصله محسوسی دارد، شخصیت‌ها با لهجه صحبت می‌کنند و چهره‌هایشان کاملاً شهرستانی است، چیزی که در فیلم‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بیشتر می‌دیدیم و در فیلم‌های دهه‌های اخیر کمتر می‌بینیم. فیلم اگرچه درباره قهرمان است، ولی حس در آن خیلی جدی است کما اینکه رگه‌هایی از طنز و شادی هم در آن دیده می‌شود. مخاطب فیلم هم طیف نوجوان هستند ولی با تمهیداتی که در نظر گرفتیم، کسانی که سینمارو هستند نیز به راحتی می‌توانند با فیلم ارتباط برقرار کنند. سعی کردیم در بازنمایی جزئیات، بالاترین کیفیت را داشته باشیم، اما برای اینکه خروجی کار آنچه باشد که نسل ضد و ایگرگ را اقناع کند در زمان اکران سینمایی بایستی بحث تبلیغات و معرفی فیلم را جدی بگیریم. ما هم تلاشمان را کردیم که فیلم گنده‌گویی، اغراق و تکلف نداشته باشد. رعایت همین مسائل، راه را برای ما هموار می‌کند تا کسانی که سینما را دوست دارند پایشان برای تماشای این فیلم به سالن‌ها باز شود. اگرچه علاوه بر طبقه‌بندی سنی و ژانری در سینما، یکی طبقه‌بندی کلی به اسم فیلم خوب و فیلم بد هم وجود دارد و اگر یک فیلم خوب باشد مهم نیست در چه ژانری است. ما همه تلاشمان را کردیم که فیلم خوبی بسازیم، اینکه چقدر موفق بودیم به نظر و نمره مخاطبان و منتقدان برمی‌گردد.

#### ■ در جشنواره فجر بیشتر درام‌های اجتماعی و تاریخی دیده شده‌اند، بخت «کوچ» را در جشنواره امسال برای دیده شدن و استقبال تماشاگران چطور می‌بینید؟

بیشتر فیلم‌سازان آرزویشان حضور در جشنواره فیلم فجر است حتی کسانی که جشنواره را گاهی تحریم می‌کنند، حتماً یکی از شب‌های به یادماندنی برایشان شبی بوده که فیلم‌هایشان در جشنواره فیلم فجر پذیرفته شده است. ضمن اینکه این جشنواره، پله صعود برای بسیاری از فیلم‌سازان بوده است.

ذات هر جشنواره‌ای، ظهور فیلم‌سازان جوان است. جشنواره فیلم فجر هم بستر معرفی و شناسایی بسیاری از فیلم‌سازان خوب و نوظهور شده است.

#### درباره فیلمی با بازی «الناز ملک» و «هادی حجازی‌فر»

## قصه تکراری منوچهر هادی در «خیابان جمهوری»



**کریمی** | منوچهر هادی را بیش از هر چیز به‌عنوان فیلم‌سازی می‌شناسیم که نامش با سینمای کمدی گره خورده است و اغلب آثار پرفروشش همچون «من سالوادور نیستم»، «آینه بغل» و «رحمان ۱۴۰۰» همگی در زمره سینمای تجاری قرار می‌گیرند و فیلم‌ها و سریال‌هایی هم که در شبکه‌نمایش خانگی و در ژانر اجتماعی ساخته عمدتاً با فرمول‌های عامه‌پسندانه و با تکیه بر سرگرم‌سازی و جذب مخاطب عام بوده‌اند.

با این حال هادی در تازه‌ترین اثر خود «خیابان جمهوری»، به سراغ یک درام اجتماعی رفته و تلاش کرده به زندگی طبقه کارگر و به‌ویژه زنان آسیب‌پذیر بپردازد. فیلم روایتگر زندگی زن جوانی به نام آیلا را بازی الناز ملک است که از شهرستان به تهران آمده و در یک کارگاه خیاطی در خیابان جمهوری مشغول به کار است.

آیلا در آستانه ازدواج و درگیر تدارکات عروسی‌اش، ناگهان با غیبت نامزدش اسماعیل مواجه می‌شود؛ غیبتی که مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد و سبب می‌شود برای پیدا کردن اسماعیل به هر دری بزند. او در این مسیر با موانع و فشارهای فراوانی روبه‌رو می‌شود و با کمک دوستش حمیده (فاطمی بهارمست) تلاش می‌کند راهی برای حل مشکلاتش پیدا کند. در این میان طاهر، سرپرست کارگاه خیاطی با بازی هادی حجازی‌فر هم آیلا را در موقعیت‌های دشوار و پرتنش قرار می‌دهد.

«خیابان جمهوری» با وجود اینکه در تلاش است داستانی روان و سراسرت و واقع‌گرایانه از زندگی زنانی ارائه دهد که در غیاب حمایت خانوادگی و اجتماعی، برای گذران زندگی ناچارند با مشکلات و فشارها دست و پنجه نرم کنند، اما در نهایت فیلم ما را در یک موقعیت تازه قرار نمی‌دهد و فراتر از

مجموعه‌ای از مسائل روزمره‌ای که بخش بزرگی از جامعه با آن‌ها مواجه است. فیلم قصه‌اش را تعریف می‌کند و آسیب‌ها را به تصویر می‌کشد، اما نمی‌تواند گامی فراتر از آنچه مخاطب روزانه در خیابان‌ها و زندگی واقعی می‌بیند، بردارد. کاراکترها مابه‌ازای بیرونی دارند و به‌سادگی می‌توان نمونه‌های واقعی آن‌ها را در جامعه پیدا کرد. فضای شهری نیز واقعی و باورپذیر است و در نمایش آن اغراق نشده و «خیابان جمهوری» آینه‌ای از جامعه امروز است، اما در اینکه قرار است چه تأثیری بگذارد و آسیب‌ها را چگونه واکاوی کند، متفعل است.

خیابان جمهوری در مجموع به کلکسیونی از مشکلات فردی و اجتماعی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد منوچهر هادی تلاش کرد هیچ کدام از معضلات رایج را از قلم‌نبداندازد و همین رویکرد موجب شده با فیلمی طولانی، پراکنده و در بخش‌هایی کسالت‌آور مواجه شویم. از میانه‌های داستان، ریتم فیلم افت می‌کند و روایت با تکرار موقعیت‌ها و لحظات مشابه درجا می‌زند. این در حالی است که با یک تدوین مجدد، حذف سکانس‌های زائد و تمرکز بیشتر بر خط اصلی داستان، می‌شد شتاب‌ونسجام بیشتری به روایت بخشید.همچنین منوچهر هادی در شکل‌دهی شخصیت‌ها موفق عمل کرده و بازی بازیگران به‌ویژه الناز ملک، فاطمی بهارمست و روح‌الله زمانی، از جمله امتیازات «خیابان جمهوری» به‌شمار می‌آید.